

شناسایی راههای کاروانرو قرون پنجم تا دوازدهم هجری در
بخشی از مرکز فلات ایران (با استناد به کتیبه‌های اسلامی و
نقوش صخره‌یی در استانهای اصفهان و مرکزی)
علی اعراب^۱ - فاتح زارع‌فر^۲

چکیده

نقوش صخره‌یی در ایران فراوانی زیادی دارند. مطالعات نشان می‌دهند که ایجاد نقوش بر روی صخره‌ها از ادوار پیش از تاریخ تا به امروز همچنان ادامه داشته است. در دوره اسلامی تاکنون چندین کتیبه بر روی صخره‌ها ایجاد شده که برخی از آنها دارای تاریخ نیز هستند. تعداد قابل توجهی از کتیبه‌های بر روی صخره‌ها در استانهای مرکزی و اصفهان در کنار راهها واقع شده‌اند و مطالعه کاروانسراها و رباطها خبر از استفاده از این راهها در ادوار گذشته می‌دهد. در این پژوهش ضمن آنکه مضامین کتیبه‌های اسلامی ایجاد شده مورد بررسی قرار گرفته، به مفهوم کاروانرو بودن راهها نیز که با آنها همخوانی دارند پرداخته شده است. بمنظور مطالعه این کتیبه‌ها در پژوهش حاضر، کتیبه‌ها در چهار بخش تقسیمبندی شده و هر یک بطور جداگانه معرفی شده‌اند. همچنین در کنار این موارد، نقوش کاروانهایی که در این مناطق بر روی صخره‌ها ایجاد شده میتواند دلیل دیگری بر کاروانرو بودن راههای فوق بوده باشد.

کلید واژگان

نقوش صخره‌یی؛ کتیبه‌های اسلامی؛ اصفهان؛ مرکزی؛ راههای کاروانرو

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛ ali.aarab@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

در این پژوهش سعی بر آن است تا با مقایسه نقوش صخره‌یی در شهرستانهای میمه، گلپایگان، خمین و دلیجان بخصوص نقوش صخره‌یی دارای کتیبه، بتوان راههای کاروانرو در استانهای اصفهان و مرکزی را مشخص کرد و ارتباط نقوش صخره‌یی با راههای پیرامون آنها را یافت. نقوش صخره‌یی از ادوار پیش از تاریخ تا چندین سده گذشته همواره مورد استفاده بشر بوده و برای بیان احساسات و عقاید بکار میرفته است. این هنر، برای شناسایی فرهنگ گذشتگان از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار میباشد. هنر صخره‌یی شامل نشانه‌گذاری بر روی زمین بوسیله مردمی است که بین مناطق سیاسی بیطرف و فضاهای باز، سرگردان هستند (Burno & Lourandos 1998: 193-194). این هنر را میتوان شکلی از ارتباط غیرکلامی و بصری دانست (Fossatti 1990: 24).

از اینرو برای بازسازی فرهنگ گذشتگان بسیار مهم است. هنر صخره‌یی در مفهوم امروزی، دربرگیرنده نگاره‌هایی است که نقش مایه‌های عمده آن، تصاویر کوچک و گاه مینیاتوری حیوان، اشکال، نمادها، گیاهان و انسان بصورت تک‌نگاره یا در صحنه‌ها و مجالس شکار، نبرد، رقص و مراسم اجتماعی و آیینی بوده و تکنیک اجرایی این نقوش بصورت کنده‌نگار است (رضایی و جودی، ۱۳۸۹: ۳). رفیع‌فر از هنر صخره‌یی بعنوان یک هنر جهانی یاد میکند که در بین هنرهای شناخته شده دیگر، نه تنها بیشترین قدمت را دارد بلکه جایگاه ویژه‌یی نیز به خود اختصاص داده است. از نظر وی این هنر توانسته اولین جلوه‌های شناخته شده از حساسیتهای هنری و زیباشناختی اجداد دور انسان را در بسیاری از نقاط جهان با بیانی معنادار به معرض نمایش بگذارد (رفیع‌فر، ۱۳۸۱: ۴۵-۷۶).

در ایران تاریخ مطالعه هنر صخره‌یی به ۴۵ سال پیش باز میگردد؛ هنگامی که ایزدپناه در دوشه و میرملاس کوه‌دشت تعدادی نقاشی صخره‌یی کشف کرد (ایزدپناه، ۱۳۴۸: ۱۴-۶). البته شش سال پیش از آن، زمین‌شناسان ایتالیایی که برای کشف معدنی در بلوچستان مشغول کار بودند، در منطقه گزو تعدادی نقوش صخره‌یی یافتند (Dessau, 1960).

در سال ۱۳۸۶ نیز در مجله باستان‌پژوهی تعدادی از نقوش صخره‌یی ایران مطالعه شدند (وحدتی، ۱۳۹۰: ۱۰). در سالهای اخیر نیز بر روی نقوش صخره‌یی ایران مطالعاتی صورت گرفته است (Mohammadifar & Hemati Azandaryani, 2015; Hemati Azandaryani et. al, 2015). در استان اصفهان نیز بر روی سنگ‌نگارها مطالعاتی صورت گرفته از جمله آنها میتوان به غرقاب

گلپایگان (ناصری فرد، ۱۳۸۶: ۳۵)، حوض ماهی مبارکه (Karimi, 2013) و کوه دنبه اصفهان اشاره داشت (Karimi, 2014).

برغم توجه روزافزون به مطالعه سنگ‌نگاره‌ها در ایران همچنان مشکلات عمده‌یی در مسیر مطالعه علمی نقوش صخره‌یی در ایران وجود دارد. عدم وجود برنامه تحقیقاتی مدون، نبود گاهنگاری علمی (Ghasrian, 2007) و مستندنگاری و حفاظت نقوش صخره‌یی تنها بخشی از مشکلات در جهت پیشبرد مطالعات علمی سنگ‌نگاره‌ها در کشور می‌باشد.

معرفی جغرافیای مناطق مورد مطالعه در خصوص راههای باستانی

مناطق مورد مطالعه در این قسمت همانطور که در نقشه ۱ مشخص است، در نواحی مرکزی فلات ایران و در قسمت جنوبی راه ابریشم قرار گرفته‌اند. این نواحی شامل استانهای اصفهان و مرکزی: شهرهای گلپایگان، دلجان، محلات، خمین و میمه هستند. این مناطق در شرق کوههای زاگرس و در غرب کوههای مرکزی ایران از جمله کرکس قرار دارند. با توجه به موقعیت استراتژیک این مناطق امروزه بعنوان بخشی از شاهراه اصلی ارتباط شمال به جنوب و شمال به غرب ایران مطرح هستند. آب و هوای این نواحی نسبتاً معتدل است که این موضوع در کاروان‌رو بودن این مناطق نقش مهمی داشته است. ضمن آنکه در مقایسه با مناطق کوهستانی البرز و زاگرس، در نواحی مورد مطالعه راههای صعب‌العبور بسیار کمتر دیده میشود، از اینرو برای عبور کاروانها مناسبتر بوده‌اند.

نام جاده ابریشم را اولین بار فردیناند فون ریشتفون (۱۸۳۳-۱۹۰۵م)، جغرافیدان آلمانی، در میانه قرن نوزدهم بکار برد. ظاهراً سبب این نامگذاری، تجارت ابریشم بعنوان معروفترین، سبکترین و گرانبهارترین کالایی بوده که طی دهها قرن از طریق این جاده از چین به غرب میرفته است (فرانک و براونستون، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۳). جاده ابریشم در حدود ایران از امتداد جاده بلخ بطرف مرو و ناحیه جنوبی دریای خزر می‌آمد و شهرهای طوس و صدروازه (نزدیک دامغان امروزی) را پشت سر گذاشته و به ری میرسید و بسوی همدان کنونی امتداد مییافت و با قطع رشته‌کوههای زاگرس بطرف بین‌النهرین و انطاکیه میرفت (پیرنیا و افسر، ۱۳۷۰: ۸۰).

یکی از راههای فرعی مهم ابریشم، راههای ری بوده است که یکی از این راهها، ری را از دروازه چین به اصفهان و شیراز پیوند میداد (ساسان‌پور، ۱۳۸۳: ۲۴)، که بخشی از راههای مورد مطالعه در این پژوهش را میتوان قسمتی از این راه فرعی دانست.

معرفی سنگ‌نگاره‌های دارای کتیبه در مناطق مورد مطالعه

تعداد نوزده کتیبه دوره اسلامی در مناطق مذکور مورد مطالعه قرار گرفتند. بجز دو کتیبه واقع در شهرستان محلات که درون قابی ایجاد شده‌اند، تکنیک بکار رفته در تمامی کتیبه‌ها کوبشی (نقر) بوده و همگی روی سنگهای محلی موسوم به کال (شیست) حک شده‌اند. کتیبه‌ها دارای سه خط کوفی، ثلث و نستعلیق بوده و متعلق به سده‌های پنجم تا دوازدهم هجری قمری میباشند.

کتیبه‌های روستای حسن رباط بخش میمه استان اصفهان

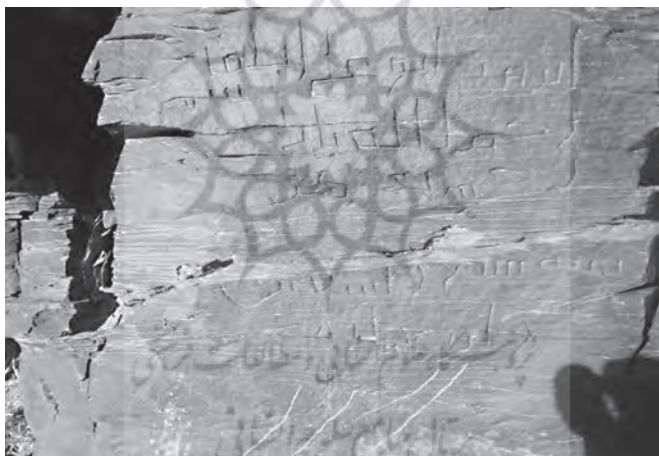
در بخش میمه اصفهان تعداد زیادی سنگ‌نگاره (حدود ۱۰۳ عدد) شناسایی شده است که بیشتر آنها در مناطق اطراف دو روستای زیادآباد و حسن‌رباط واقع شده‌اند. از بین این تعداد، تنها دو کتیبه از دوره اسلامی شناسایی شده است که کتیبه در حدود یک کیلومتری شرق روستای حسن‌رباط واقع شده‌اند. یکی از این کتیبه‌ها دارای تاریخ احد و ثمانین و اربع مئه (۴۸۱ هـ.ق) بوده که بنظر مفهوم عفو و بخشش را با خود به همراه دارد (شکل ۱) و در کنار راه قدیم میمه به گلپایگان قرار گرفته که احتمالاً بعنوان سنگ یادبود برای فردی که در این راه فوت کرده، ایجاد شده است.

این کتیبه با نمونه‌های دیگری که در مرکز فلات ایران شناسایی شده‌اند نیز قابل مقایسه می‌باشد (ناصری فرد، ۱۳۸۶؛ فرهادی، ۱۳۷۷). در قسمت بالایی آن، تصویر بزکوهی و لاک پشت دیده میشود.

کتیبه دیگر دارای تاریخ سبع و تسعین و اربع مئه (۴۹۷ هـ.ق) یعنی متعلق به اواخر سده پنجم هجری- بوده (شکل ۲) و نام فردی بصورت ابوعلی ابوالقاسم در آن مشخص است. با توجه به اینکه این کتیبه نیز در کنار راه قدیم میمه به گلپایگان است، ممکن است بدلیل فوت این فرد در این راه چنین سنگ یادبودی برای او ایجاد شده باشد. تکنیک ساخت این دو کتیبه با سایر سنگ‌نگاره‌های بخش میمه کمی متفاوت است. نقوش در این کتیبه‌ها عمق بیشتری دارند و به شیوه نقر ایجاد شده‌اند. دو کتیبه فاصله زمانی شانزده ساله با یکدیگر دارند. وجود تاریخ بر روی این دو کتیبه میتواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد؛ بخصوص برای نقوش صخره‌یی که انجام سالیابی بر روی آنها کار دشواری است.



شکل ۱) کتیبه‌ی با مفهوم عفو و بخشش در بخش میمۀ اصفهان مربوط به تاریخ ۴۸۱ هـ.ق



شکل ۲) کتیبه‌ی مربوط به تاریخ ۴۹۷ هـ.ق در بخش میمۀ اصفهان

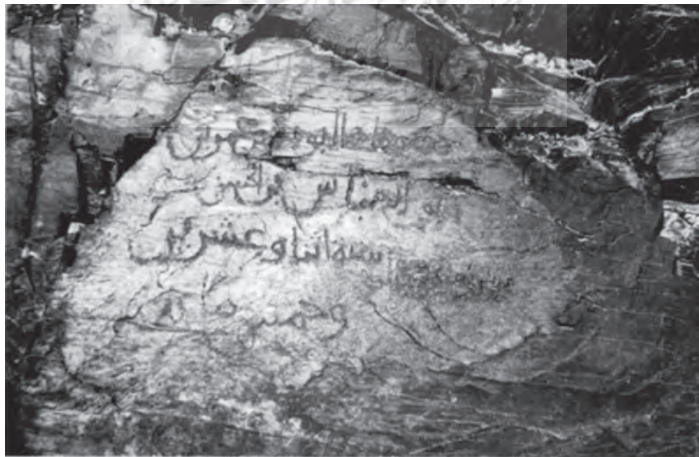
این دو کتیبه طبق نقشه ۱ در کنار جاده حسن رباط به موته-گلپایگان واقع شده‌اند. همچنان که از نام حسن رباط مشخص است، این روستا در ادوار گذشته اسلامی، محل اسکان کاروانیان بوده است. در خصوص رباط باید ذکر شود در قرون اولیه اسلامی، فتوحات سریع اعراب موجب شد قلمروهای وسیعی جزء جهان اسلامی گردد، اما ارتباط بین این قلمرو وسیع کاری دشوار بود. از اینرو خلفا ناچار شدند در طول راهها از اقیانوس اطلس تا صحرای آسیای مرکزی پستهای نظامی و ایستگاه‌هایی برقرار کنند و به این ایستگاهها نام رباط دادند. در حال حاضر رباط به مفهوم ایستگاه، روستا، شهر و کاروان‌سرا پذیرفته شده است (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۸۶).

کتیبه‌های شهرستان خمین استان مرکزی

در این بخش تعداد زیادی سنگ‌نگاره توسط ناصر فرید شناسایی شده است (ناصری فرید، ۱۳۸۶) که در این میان تعداد نه عدد از آنها را کتیبه‌هایی از ادوار مختلف اسلامی تشکیل می‌دهد. تمامی سنگ‌نگاره‌های مذکور در حوالی راههای کاروانرو واقع شده‌اند (نقشه ۱) (فرهادی، ۱۳۷۷: کروکیهای شماره ۱ و ۲). تیمره از جمله مناطق مهم حاوی نقوش صخره‌یی در فلات مرکزی است که بخشی از آن در خمین و بخشی در گلپایگان در استان اصفهان واقع شده است (فرهادی، ۱۳۷۷). از تیمره در *البلدان یعقوبی* (یعقوبی، ۱۳۵۶) به قرن سوم هجری و در تاریخ پیامبران و شاهان حمزه اصفهانی (اصفهانی، ۱۳۴۶) به نیمه قرن چهارم هجری و در تاریخ قم (قمی، ۱۳۶۱) به اواخر قرن چهارم هجری اشاره شده است. ضمن آنکه دینوری در کتاب خود آورده، قباد ساسانی اسپهان را به دو استان جی و تیمره تقسیم نمود که حدود آن از شمال به اراضی ری میرسیده است (دینوری، ۱۳۶۴: ۹۵).

دو عدد از این کتیبه‌ها متعلق به سده‌های پنجم و ششم هجری قمری بوده، سه عدد مربوط به سده‌های هفتم و هجری قمری، دو عدد مربوط به سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری قمری و دو مورد فاقد تاریخ بوده‌اند (ناصری فرید، ۱۳۸۶). حال در ذیل به مطالعه کتیبه‌های معرفی شده پرداخته میشود:

با توجه به شکل ۳ این کتیبه متعلق به تاریخ ۵۱۲ هـ.ق میباشد و متن آن به اینصورت است:
حضرها هما ابو بکر بن عمربن ابوالعباس بن الحسن سنه اثنا و عشرين و خمسه مائه.



شکل ۳) کتیبه متعلق به تاریخ ۵۱۲ هـ.ق در شهرستان خمین (ناصری فرید، ۱۳۸۶)

با توجه به کلمه «حضرها» که در واقع به احضار و فراخوانی روح پس از مرگ اشاره دارد، میتوان این سنگ‌نگاره را یادبودی برای شخص متوفی در این راه در نظر گرفت.

کتیبه بعدی که در شکل ۴ مشخص است، دارای خط کوفی بوده و بنظر مضمونی قرآنی یا دعایی را ذکر میکند. تاریخگذاری این کتیبه با توجه به خط استفاده شده بر روی آن صورت گرفته است. از آنجا که خط کوفی از قرن ششم هجری بعد و وظیفه و کارکرد اصلی خود را در خصوص انتقال افکار و ارتباطات از دست داده بود و صرفاً به عنصری تزئینی تبدیل شده بود (سفادی، ۱۳۸۱: ۱۴)، میتوان کتیبه شماره ۴ را مربوط به قبل از این زمان دانست. بخشهایی از این کتیبه بدلیل فرسایش بیش از حد قابل خواندن نبوده و بخشهایی که قابل خواندن است بدین شرح میباشد: «بسم الله الرحمن الرحیم صلی الله... ولا شریک له.»



شکل ۴) کتیبه‌ی با مضمون دعایی در شهرستان خمین (همانجا)

کتیبه تصویر شماره ۵ که متعلق به تاریخ ۷۴۱ هـ.ق بوده، متن آن به اینصورت است:

در سمت راست بالای کتیبه: امر حاجی براهه.

در مرکز کتیبه: کتب العبد الولی بن الحسن بن محمد بافیله فی رجب سنه احدى و اربعین و سبع مائه.

مفهوم این کتیبه از آنجایی دارای اهمیت است که نشان‌دهنده ایجاد یادگاری بدستور یکی از حجاج خانه کعبه است که از این راه عبور میکرده است.



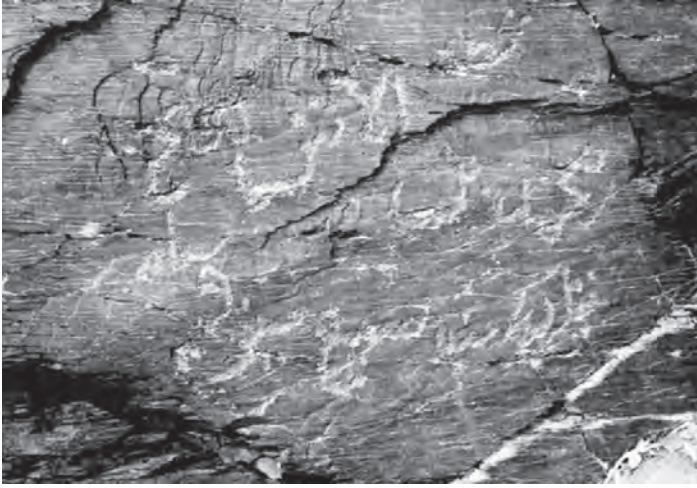
شکل ۵) کتیبه با تاریخ ۷۴۱ هـ.ق شهرستان خمین (همانجا)

کتیبه شکل ۶ که مانند کتیبه پیشین متعلق به تاریخ ۷۴۱ هـ.ق بوده متنش بصورت زیر است:
در سمت چپ بالای کتیبه: حسن محمد... عمر.
در مرکز کتیبه: فی ماه رمضان سنه احدی و اربعین و سبع مائه.



شکل ۶) کتیبه با تاریخ ۷۴۱ هـ.ق شهرستان خمین (همانجا)

استفاده از کلمه فارسی «ماه» بجای کلمه «شهر» در این کتیبه که به زبان عربی نوشته شده، میتواند نشان‌دهندهٔ محلی بودن نگارنده کتیبه بوده باشد. ضمن آنکه استفاده از نام افراد همراه با تاریخ مکتوب در بین راههای باستانی ناحیه مورد مطالعه، سنتی است که بارها تکرار شده است.
کتیبه شکل ۷ متعلق به تاریخ ۷۶۷ هـ.ق میباشد که متن آن به اینصورت است:
بخطه محمد بن الاش... سنه سبع و ستین و سبعمائه.



شکل ۷) کتیبه با تاریخ ۷۶۷ هـ.ق شهرستان خمین (همانجا)

این کتیبه از لحاظ مضمون مانند کتیبه شماره ۵ میباشد با این تفاوت که در کتیبه شماره ۵ اسم شخصی بعنوان امر کننده نقر کتیبه آورده شده، در حالیکه در این کتیبه نمیتوان این مورد را یافت. این کتیبه نیز همچون کتیبه‌های قبلی در محدوده راهی باستانی قرار گرفته است. کتیبه شکل ۸ متعلق به سال ۱۱۰۰ هـ.ق بوده و متن آن به اینصورت است:
جمعه ۱۳ شهر ربیع الاول ۱۱۰۰.



شکل ۸) کتیبه متعلق به سال ۱۱۰۰ هـ.ق (همانجا)

این کتیبه در مقایسه با کتیبه‌هایی که پیش از این ذکر شد دارای تکنیک ساخت و خط نوشتاری متفاوتی است، از جمله آنکه از اعداد بیشتر از حروف در نگارش آن استفاده شده است.



شکل ۹) کتیبه فاقد تاریخ شهرستان خمین (همانجا)

کتیبه شکل ۹ فاقد تاریخ بوده و متن آن به اینصورت است:

در بالای کتیبه: کتب‌العبد احمد بن محمد بن کورجی بخرطه.

در پایین کتیبه: توکلت علی‌الله محمد ابن حسن.

با توجه به مشابهت مضمون و خط نگارش این کتیبه بخصوص در قسمت بالای آن با کتیبه‌های شماره ۶ و ۷ میتوان گفت تاریخ این کتیبه نیز احتمالاً مربوط به حدود سده هشتم هجری قمری است. ضمن آنکه در قسمت پایین این کتیبه مانند بسیاری دیگر از کتیبه‌های این ناحیه جمله‌یی با مضمون تقدس و معنویات بکار رفته است.

کتیبه شکل ۱۰ فاقد تاریخ بوده و متن آن به اینصورت است:

اللهم غفر عمر بن محمد.....

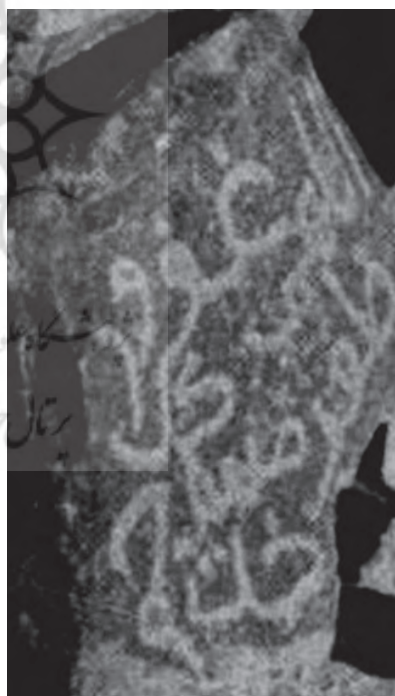
کتیبه‌هایی با مضمون طلب مغفرت برای اشخاص از جمله نمونه‌های متداول شناسایی شده میباشد.



شکل ۱۰) کتیبه با مفهوم آموزش (همانجا)



شکل ۱۲) کتیبه با مفهوم آموزش شهرستان دلیجان (همانجا)



شکل ۱۱) کتیبه با مفهوم آموزش شهرستان دلیجان (همانجا)

کتیبه‌های شهرستان دلیمان استان مرکزی

کتیبه‌های این منطقه که در تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲ آورده شده‌اند، هر دو فاقد تاریخ میباشند و متن آنها به اینصورت است:

کتیبه شماره ۱۱: اللهم غفر و رحم مظفر صمد... و کتیبه شماره ۱۲: اللهم غفر و رحم مظفر... . نکته مهم در خصوص این دو کتیبه آن است که مضمون این کتیبه‌ها مانند کتیبه شماره ۱۰ و چند کتیبه دیگر که ذکر گردید، میباشد و تمام این کتیبه‌ها در کنار راهی باستانی قرار گرفته‌اند؛ ضمن آنکه در مطالعات صورت گرفته توسط ناصری فرد در دلیمان، گودالی در مجاورت یکی از این کتیبه‌ها شناسایی شده (ناصری فرد، ۱۳۸۶) که میتواند در کنار مضمون آنها، فرضیه احتمال وجود قبوری از دوره اسلامی در کنار راههای باستانی مناطق مورد مطالعه را مطرح کند.

کتیبه‌های شهرستان گلپایگان

کتیبه‌های این شهرستان سه عدد بوده که در منطقه غرقاب شناسایی شده‌اند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۹۱-۱۹۳). شرح این کتیبه‌ها به اینصورت میباشد:

کتیبه شماره ۱۳: این کتیبه در نزدیکی کتیبه‌یی به خط پهلوی ساسانی قرار گرفته (همان: ۱۹۲) و دارای مضمون ساخت رباطی در این ناحیه است. متن کتیبه به اینصورت است: امر عماره هذا الرباط سابق الدوله علی بن موسی غفرالله له و لوالديه و لمن قال امین و لجمع المسلمین.

همانطور که از این کتیبه کوفی مشخص است در این ناحیه رباطی به فرمان شخصی بنام سابق الدوله علی بن موسی ساخته شده و در پایان برای او، پدرش و جمیع مسلمین درخواست آمرزش شده است. محتوای این



شکل ۱۳) کتیبه با مفهوم ساخت رباط، شهرستان گلپایگان (ناصری فرد، ۱۳۸۶)

کتیبه نشان‌دهنده کاروان‌رو بودن این راه باستانی است. در نزدیکی این کتیبه، کتیبه دیگری قرار گرفته که تنها یک تاریخ بر روی آن حک شده که میتواند نشان‌دهنده تاریخ ساخت کتیبه رباط معرفی شده در بالا باشد. تاریخ این کتیبه (شماره ۱۳) ۵۳۲ هـ.ق بوده و متن آن به اینصورت است:

سنه اثنی و ثلثین و خمس مائه.

اما کتیبه سوم در این ناحیه کتیبه‌یی است که قسمت زیادی از آن ناخوانا بوده و متن قابل خوانش آن به اینصورت است:

... ابو موسی غفرالله له و لوالدیه.

مضمون این کتیبه همانطور که مشخص است مانند بسیاری از کتیبه‌های پیشین، درخواست مغفرت و رحمت برای فردی بوده که احتمالاً در این حوالی فوت شده است.



شکل ۱۴) کتیبه به تاریخ ۵۳۲ هـ.ق شهرستان گلپایگان (همانجا)

با توجه به موارد مذکور تمامی کتیبه‌های مورد مطالعه در حوالی راههای ارتباطی که امروزه نیز استفاده میشوند قرار گرفته‌اند. از اینرو نقشه ۱ طراحی شده که در آن سعی شده تا با توجه به مکان قرارگیری سنگ‌نگاره‌های مورد مطالعه، راههای ارتباطی مابین این سنگ‌نگاره‌ها ترسیم گردد. سیرو تمام راههای مورد مطالعه را تحت عنوان «راههای قدیمی ارابه‌رو» ذکر کرده است (سیرو، ۱۳۵۷: نقشه ۲). دلیل اتخاذ چنین شیوه‌یی برای مطالعه کتیبه‌ها، مضمون آنها بوده است. به اینصورت که در کل، کتیبه‌های مورد مطالعه را از نظر مضمون میتوان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد: ۱) کتیبه‌هایی که دارای مضمون درخواست آرمزش و رحمت از خداوند برای شخص یا اشخاصی است که این گروه بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. ۲) کتیبه‌هایی که دارای

نام فرد یا تاریخ ایجاد کتیبه یا هر دو با هم هستند. (۳) کتیبه‌هایی که بدستور فردی نقش شده‌اند. (۴) کتیبه‌هایی که دارای مضامین مقدس و دعایی هستند.

در خصوص گروه اول این سؤال ایجاد میشود که به چه دلیل در کنار یک راه ارتباطی برای فردی از سوی پروردگار درخواست آمرزش و رحمت شده است؟ برای پاسخ به این سؤال تاکنون مطالعاتی صورت نگرفته است اما با توجه به کتیبه شماره ۱۱ در دلیجان و گودالی که در کنار آن قرار گرفته، همراه با مضمون آمرزش و رحمت ابدی در این کتیبه‌ها میتوان آنها را بعنوان یادگاری برای متوفی در کنار راه کاروانرو در نظر گرفت. ضمن آنکه لازم بذکر است چنین کتیبه‌هایی تنها در کنار راههای کاروانرو بصورت تکی و محدود قرار گرفته‌اند و به هیچ عنوان نمیتوانند نشان‌دهنده قبرستان یک شهر یا روستا از دوره اسلامی باشند. پس احتمالاً مربوط به فردی هستند که در راه فوت کرده و کاروانیان در کنار همان راه او را دفن نموده و با استفاده از حک کردن جمله‌یی برای وی طلب مغفرت و آمرزش کرده‌اند. همچنین باید گفت دو کتیبه یافت شده در میمه اصفهان، در نزدیکی روستای حسن‌رباط قرار گرفته‌اند که نام این روستا کاملاً با مفهوم کاروانرو بودن آن همسو است.

در مورد مضمون دوم بنظر میرسد بیشتر جنبه یادگاری داشته و احتمالاً توسط اشخاصی که از این مسیر عبور میکرده‌اند، ایجاد شده است. در خصوص کتیبه‌هایی با این مضمون لازم به توضیح است که بعضاً از راههای کاروانرو فاصله داشته‌اند و ممکن است برخی از آنها یادگارهایی از سوی چوپانان یا صیادان در منطقه مورد مطالعه بوده باشد. لازم بذکر است که سنت شکار در این منطقه همچنان نیز ادامه دارد.

در مورد سومین مضمون باید خاطر نشان کرد که تمامی این کتیبه‌ها در کنار راههای کاروانرو قرار گرفته‌اند. در کتیبه شماره ۱۳ که در غرقاب گلپایگان است، دستور ساخت رباطی داده شده که این موضوع کاروانرو بودن ناحیه غرقاب گلپایگان و اهمیت ساخت رباط در این ناحیه را خاطر نشان میسازد. در کتیبه‌یی دیگر با چنین مضمونی نوشته‌یی به امر شخصی بنام حاجی براه در کنار راه کاروانرو ایجاد شده که میتواند از گذر کاروانهای زیارتی از این راه خبر دهد.

در چهارمین مضمون در کتیبه‌ها از جملات مقدس و دعایی استفاده شده و همگی در حوالی راههای کاروانرو قرار دارند. ممکن است این جملات را بتوان مربوط به افرادی از کاروانها هنگام عبور از این راهها دانست که در آن نوشته‌ها برای ادامه مسیر دست یاری بسوی پروردگار دراز کرده‌اند یا از کلماتی بهره برده‌اند که نشان‌دهنده ارادت آنها به پیامبر اسلام (ص) بوده است.

احتمالاً میان مضمونهای سوم و چهارم هجری بتوان ارتباط برقرار کرد؛ بدینگونه که این مضمونها میتوانند نشان‌دهنده زیارتی بودن برخی از کاروانهایی باشند که در این مسیرها در حال تردد بوده‌اند.

در اینجا لازم بذکر است که تمامی کتیبه‌ها با مضامین اول، سوم و چهارم در حوالی راههای کاروان‌رو قرار دارند. این در حالی‌ست که برخی از کتیبه‌هایی با مضمون دوم و نقوش معروف سنگ‌نگاره‌ها از جمله نقوش بزرسانان که حدود ۹۵٪ از نقوش سنگ‌نگاره‌ها را شامل میشود (ناصری‌فرد، ۱۳۸۶) با فاصله بسیار بیشتری از این راهها قرار گرفته‌اند. با توجه به کتیبه‌های معرفی شده برای ارتباط بین نواحی مورد مطالعه، میتوان چهار راه کاروان‌رو را در نظر گرفت که عبارت است از: (۱) میمه- دلیمان؛ (۲) میمه- گلپایگان؛ (۳) گلپایگان- خمین؛ (۴) خمین- دلیمان. در ادامه به مطالعه کاروانسراها و رباطهای بین راههای این نواحی پرداخته میشود.

کاروانسراها و رباطهای واقع در نواحی مورد مطالعه

در کنار کاروانسراها، رباطها نیز از اهمیت بسزایی برخوردارند. در راههای مورد مطالعه چندین روستا وجود دارد که دارای پیشوند یا پسوند رباط هستند. وجود کلمه «رباط» در این روستاها همانطور که ذکر شد حاکی از کاروان‌رو بودن آنهاست و در نزدیکی بیشتر آنها کتیبه‌های مطالعه شده قرار گرفته که حتی در یکی از آن کتیبه‌ها به ساخت یک رباط اشاره شده است (شکل ۱۳).

از جمله کاروانسراهای مهم در این راه میتوان به کاروانسراهای زیر اشاره داشت:

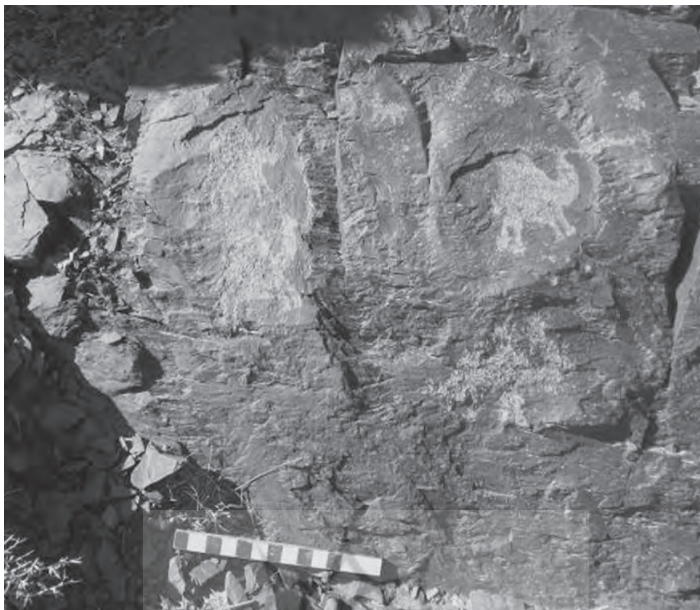
۱. کاروانسراهای راه میمه- دلیمان: در خصوص این راه سیرو آورده است: جز در دوره سلجوقی، این راه که قسمت اعظم آن نامطبوع است بنظر نمی‌آید که استفاده شده باشد. تنها در قرون اخیر بار دیگر این راه مورد استفاده قرار گرفته است (سیرو، ۱۳۵۷: ۲۰). همچنین سیرو به کاروانسرای بنام «ونداده» در این راه اشاره میکنند. در این راه یکی از اتراق‌گاههای مهم رباط سلجوقی میمه میباشد که تنها ماکسیم سیرو در سفرنامه خود ذکری از آن بمیان آورده است. طبق گفته او این رباط نزدیک یک مسجد دوره مغولی ساخته شده که سکنه روستایی در آنجا نشیمن گزیده‌اند و با توجه به تخریباتی که صورت گرفته بازشناسی ساختمان اصلی آن غیرممکن است. ضمن آنکه هنگام هجوم بزرگ موریانه بین سالهای ۱۸۵۰-۱۷۰۰م. نقب زده شده است (همان: ۲۱). در این راه دو روستا وجود دارد که نام آنها با کلمه رباط همراه است و این موضوع میتواند کاروان‌رو بودن این روستاها در این مسیر را بخوبی نشان دهد. این دو روستا عبارتند از: حسن رباط و

رباط ترک. سیرو در رباط ترک از یک بنای دوره سلجوقی یاد میکند. رباط ترک بسیار مهم است، زیرا محل تقاطع سراسرترین راه گلپایگان- کاشان به راه اصفهان- دلیجان است. همچنین راه قاطر که از طرف سلطان آباد از محلات و نیمه‌ور می‌آید به اینجا منتهی می‌شده است (همانجا).
۲. کاروانسراه‌های راه میمه- گلپایگان: در راه میمه- گلپایگان چندین کاروانسرا وجود دارد که از جمله آنها میتوان به کاروانسرای موده اشاره کرد (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۸۱). در این راه چندین روستا که در نام آنها کلمه رباط وجود دارد قابل شناسایی است: رباط ابوالقاسم، رباط خواجه علیخان، رباط پیرعلی، رباط حسینی، رباط ملکی، رباط قوقه‌یی.

۳. کاروانسراه‌های راه خمین- گلپایگان: در این راه علاوه بر کتیبه‌هایی از دوره اسلامی کتیبه‌یی با خط پهلوی ساسانی نیز یافت شده که طبق نظر رسول بشاش متعلق به اواخر ساسانی و اوایل دوره ساسانی است. وی متن این کتیبه را از نظر قرابت موضوع از سنگ‌نگاره‌های قبور کمیاب میداند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۸۸). همانطور که مشخص است کتیبه‌هایی به خط پهلوی نیز مانند کتیبه‌های دوره اسلامی، در کنار راههای کاروانرو نشانی از مضمون قبر و تدفین را با خود به همراه دارند. روستاهایی با پسوند رباط و کاروانسراهایی در این راه نیز قابل شناساییند که عبارتند از: رباط ابلولان، رباط نعلبند، رباط قالقان، رباط سرخ، رباط مراد، رباط گلکان (سیرو، ۱۳۵۷: ۱۸).
۴. کاروانسراه‌های راه خمین- دلیجان: کاروانسرای جون آباد محلات، کاروانسرای دودهک.



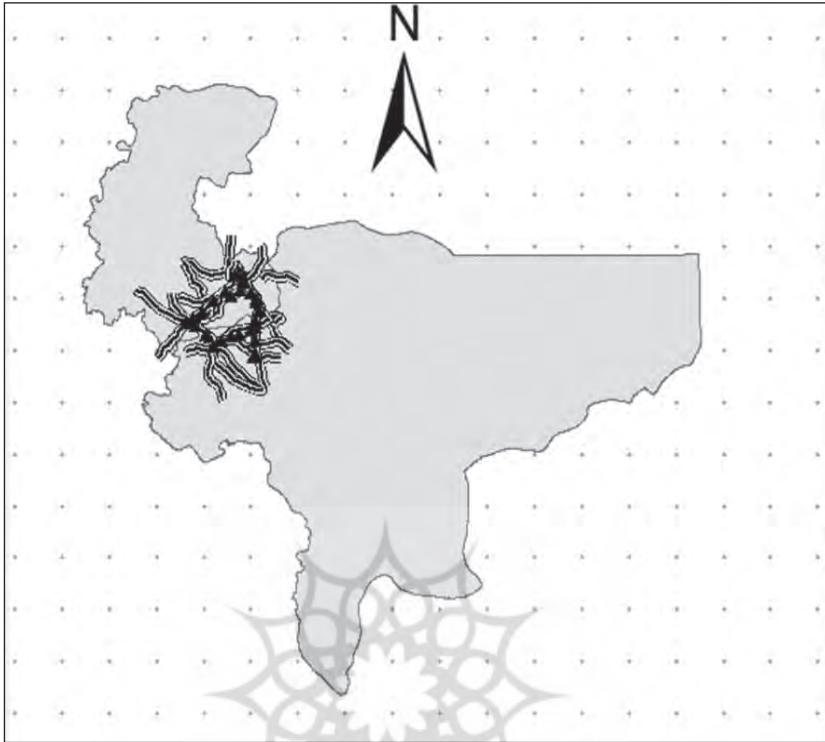
شکل ۱۵) سنگ نگاره‌یی با مضمونی شبیه به کاروان، بخش میمه اصفهان



شکل ۱۶) هنر صخره‌یی با تصویر چند شتر احتمالاً مرتبط با کاروان روستای حسن رباط بخش میمه



شکل ۱۷) نقش شتر در روستای حسن رباط، بخش میمه



نقشه ۱) محدوده راههای باستانی

سنگ‌نگاره‌های مرتبط با کاروانها بر روی نقوش صخره‌یی

در بخش میمه اصفهان، در کنار راه میمه به گلپایگان، دو تصویر کاروان شامل تعدادی شتر به همراه نقوش انسانی نقش شده است. این نقوش میتوانند بیانگر عبور کاروانهایی از مسیر مورد مطالعه و ایجاد یادگاری از کاروانیان بر روی صخره‌ها باشند. لازم بذکر است چنین تصاویری کمتر در نقوش صخره‌یی ایران تاکنون گزارش شده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان گردید میتوان از وجود تعدادی کتیبه از دوران اسلامی در استانهای اصفهان و مرکزی گزارش داد که متعلق به حدود سده‌های پنجم تا دوازدهم هجری هستند. این کتیبه‌ها را از نظر مفهوم میتوان در چهار گروه طبقه‌بندی نمود: نخست، کتیبه‌هایی که در آنها برای فردی درخواست عفو و بخشش شده است؛ دوم، کتیبه‌هایی که بنظر صرفاً جنبه یادگاری داشته و در آنها تنها اسم و تاریخی قید شده است؛ سوم، کتیبه‌هایی که بدستور فردی دیگر و به هدفی نقر شده‌اند و چهارم، کتیبه‌هایی که آیاتی از قرآن یا جملاتی مقدس و دعایی دارند. تمام کتیبه‌های نوع اول، سوم و چهارم در کنار راههایی باستانی قرار گرفته‌اند. وجود کاروانسراهایی باستانی یا روستاهایی با پسوند رباط در این راهها میتواند خبر از کاروان‌رو بودن این مناطق در ادوار گذشته اسلامی بدهد. از اینرو نمیتوان واقع شدن این کتیبه‌ها در کنار راهها را امری اتفاقی در نظر گرفت. میتوان گفت کتیبه‌های نوع اول مربوط به افرادی از کاروانهاست که در راه فوت میکردند و به همین دلیل یادبودی با مفهوم عفو و بخشش برای او در راه ایجاد میکردند. کتیبه‌های نوع سوم شامل دستور ساخت رباطی هستند یا کتیبه‌یی مربوط به یکی از حجاج خانه خدا میباشند. اما کتیبه‌های نوع چهارم نیز که همگی مانند دو مورد قبلی در کنار راهها ایجاد شده‌اند، مضامین مقدس و دعایی را به همراه دارند که ممکن است وجود چنین مضامینی بدلیل همان عبور کاروانهای زیارتی از کنار راههای فوق بوده باشد. به هر رو آنچه حائز اهمیت است، وجود کتیبه‌های فوق بر روی صخره‌ها در کنار راههاست که میتواند از وجود راههایی باستانی در محدوده مورد مطالعه خبر بدهد. در کنار این موارد، میتوان به نقوش کاروانهایی بر روی صخره‌ها نیز اشاره داشت که آنها نیز تنها در کنار همین راهها ایجاد شده‌اند. لازم بذکر است با توجه به دسترسی آسان به نقوش صخره‌یی مطالعه شده در این پژوهش، آنها در معرض تخریب هستند، از اینرو باید در حفظ این آثار ارزشمند کوشید.

منابع فارسی

- اصفهانی، حمزه بن حسن؛ تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ایزدپناه، حمید؛ «نقاشیهای پیش از تاریخ در غارهای لرستان»، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۳، ۱۳۴۸.
- پیرنیا، محمدکریم؛ افسر، کرامت‌الله؛ راه و ریاط، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۰.
- دینوری، احمد بن داوود؛ اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۴.
- رضایی، مهدی؛ خیرالنساء؛ «اشکفت‌نگاره‌های هلووش؛ معرفی، توصیف، تفسیر و گاهنگاری»، ۱۳۸۹.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین؛ «سنگ‌نگاره‌های ارسباران (سونگون)»، مجله نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۱.
- ساسان‌پور، شهرزاد؛ «هرات؛ شهری در مسیر راه ابریشم»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۱، زمستان، ۱۳۸۳.
- سفادی، یاسین حمید؛ خوشنویسی اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱.
- سیرو، ماکسیم؛ راههای باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ترجمه مهدی مشایخی، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۵۷.
- فرانک، آیرین؛ براونستون، دیوید؛ جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
- فرهادی، مرتضی؛ «موزه‌هایی در باد»، رساله‌ای در باب مردم‌شناسی هنر (گزارش مجموعه سنگ‌نگاره‌ها و نمادهای نویافته صخره‌یی تیمره)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ ۱، ۱۳۷۷.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی، تصحیح و تحشیه جلال‌الدین تهرانی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۱.
- کیانی، محمدیوسف؛ معماری ایران (دوره اسلامی)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
- ناصری‌فرد، محمد؛ موزه‌های سنگی، هنرهای صخره‌یی (سنگ‌نگاره‌های ایران)، اراک: انتشارات نوای دانش، ۱۳۸۶.
- وحدتی، علی‌اکبر؛ بومهای سنگی: گزارش بررسی دو مجموعه هنر صخره‌یی در استان خراسان شمالی (جربت و نرگس‌لوی علیا)، بیرجند: سازمان میراث فرهنگی کشور (خراسان شمالی)، ۱۳۹۰.
- یعقوبی، ابن واضح، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

منابع انگلیسی

- Burno, D. & H. Lourandos, "Rock Art and Socio Demography in Northeastern Australian prehistory", *World Archaeology*, (30) 2: pp. 193-219, 1998.
- Dessau, G., "Rock Engravings (Graffiti) from Iranian Bäluchistan", *East and West*, vol. 11, no. 1. pp. 258-266, 1960.
- Fossati, Angelo Taffe & Ludwig Simoes De Abreu, Mila., "rupestrian archaeology, techniques and terminology, a methodological approach; petroglyphs", *Ricerche archaeologiche 1 Italy*: Tomo I, 1990.
- Hemati Azandaryani, E., Qolami, H., Mohammadifar, Y. and Razmposh, A., "Discovering New Rock Paintings at Shmsali and Gorgali Rock Shelters in Kohgiluyeh and Bouyer Ahmad Province, Southern Iran". *Arts*, vol. 4, no. 2, pp. 61-67, 2015.
- Karimi Mobarkabadi, E., "Rock Art of the Howz-Māhy Region in Central Iran", *Arts 2*, pp. 124-133, 2013.
- Karimi, Ebrahim., "The Rock Paintings of Kuh-e-Donbeh in Esfahan Central Iran", *Arts 3*, pp. 118-134, 2014.
- Mohammadi Ghasrian, S., "Rock art studies in Iran: new approaches", *Antiquity*, vol. 81, no. 311, 2007. <http://antiquity.ac.uk/projgall/311>.
- Mohammadifar, Y., & Hemati Azandaryani, E., "The Petroglyphs of Qeshlagh in Hamadan Province, Western Iran", *International Journal of Archaeology*, vol 3, no 2, pp. 17-21, 2015.

منبع اینترنتی

- <http://anthropology.ir/article/7819>